



The Structure and Themes of Balochi Lullabies

Abdolghafoor Jahandideh^{*1}

Received: 23/01/2023

Accepted: 30/06/2023

Research background

The first person who mentioned Balochi lullabies in his written work was Dames, an Englishman who wrote in a book called *Popular Poetry of the Baloches* in the 19th century and brought three sketches of them. The first edition of this book was in 1907. No research has been done on the analysis of Balochi lullabies. Two writers, Fazal Khaliq (2007, Quetta), in the book *Butkgand Sanj*, and Faqirshad, (2017, Karachi) in the book *Dorj* have collected and published some of the common lullabies in Balochi.

* Corresponding Author's E-mail:
jahandideh@cmu.ac.ir

Objectives, questions, and assumptions

Lullabies are an important part of cultural heritage and represent the social life of any nation, and it is necessary to pass them on to future generations. Collecting and analyzing this type of folk poems is useful for knowing the thoughts, beliefs, social values, wishes, and desires of the people of any region. This article seeks to answer these questions: what is the structure of Lilo? What themes do Lilos contain? What is the difference between Balochi and Persian lullabies in terms of structure?

Main discussion

Lullaby has been mentioned in different cultures with titles such as Lullaby, Lailai, Lala, Lalai, Lulu, Lalbi, Nina, Nana, Bobo, Dodo, etc.

1. Associate Professor of Persian Language and Literature, Chabahar Maritime University, Chabahar, Iran
<http://www.orcid.org/0000-0002-2178-4401>



(Ahmed Panahi, 2008, p. 208) and its equivalent in English is "lullaby" which is derived from the verb "lull" which means to calm down (Bigzadeh, 2016, 225)

In Balochi, lullabies are called "lilō", "lōli", "lolāi" and "lillok". However, they are better known by the name "Lilo". The first stanza of lullabies usually repeats the word "Lilo" or "Loli" and sometimes these two words are shortened, as well as words in which the vowel "i" is repeated, such as: "Ollā ollā", "Allā allā", "ololā". In addition to the beginning, this stanza comes in the middle, or repeatedly among the stanzas of Lilo, although this feature does not apply to all lilos.

Balochi lullabies have wide and varied themes and are influenced by the nature and environment of the Baloch people, and with rich emotional content. Because these lullabies are oral, they have various narratives and have been an arena for testing the tact of mothers and singers.

Like the old Balochi poetry, the language of most of the Lilos is strong and firm, but simple and eloquent, children's words are used less considering that "The child finds verbal beauty in song and music, not in the meaning of words" (Hasanli, 2003, p. 66); their songs are considered enough to put the child to sleep and serene.

All Balochi lullabies are written on the same meter, which is "Mafoulon, Mafailon, Fa (Faa)" Bahr Gharib Mosaddas e Akhram Majhoof. These poems are often rhymed, and sometimes some stanzas do not rhyme. Maybe, the reason is an oral repetition of these poems by different people.

Result

According to the studies done, regarding Balochi Lilos, it can be concluded that this type of popular literature has been popular orally since ancient times and is still prevalent. The structure of Lilo including its features, in shape and meter, is different from what is in



Persian. The style of Lilo is traditional Balochi, and this style is not common in Persian literature, and among Persian poetry styles, it is more similar to Masnavi. The meter of Lilo is prosodic, following the prosodic features of Balochi poetry, and all of them are written in the Bahr e Gharib and the meter of "Mafoulon, Mafailun, Fa". Lilos are short and long due to being oral and having different narratives, and at the same time, sometimes the rhyme of the stanzas is shifted and even some stanzas do not have rhyme. Yet, in some others, the line has filled the place of rhyme. The language of Balochi Lilo is formal, yet simple and eloquent. Lilos are divided into girls' and boys' types, and some of them refer to both sexes. Boys' lullabies are more than girls, but in the descriptions, they praise girls and boys equally and do not prefer one over the other. Creating peace, putting the baby to sleep, and caressing, as well as fulfilling the wishes and desires of mothers are the most important common functions of lullabies. The themes of Lilo are varied and diverse, some of the significant themes include: praying for a good outcome for the child, praying for childless women to have children, thanking God for the gift of a child, expressing joy at the birth of a child, teaching the child, relating the child to national heroes, a bridegroom with a heavy dowry and reflecting social value concepts such as reception and hospitality and helping parents and relatives, and standing against raiders and enemies.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

سال ۱۱، شماره ۵۲، مهر و آبان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

DOR: 20.1001.1.23454466.1402.11.52.3.1

ساختار و مضامین لیلو (لالایی) های بلوچی

عبدالغفور جهان‌دیده*

(دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۹)

چکیده

لالایی‌ها نوعی از ترانه‌های مهم در ادبیات عامه هر قومی به‌شمار می‌آیند که سینه به سینه از نسل‌های گذشته به امروز رسیده‌اند. در بلوچی به این نوع ترانه‌ها «لیلو» یا «لولی» می‌گویند. در جستار پیش رو به بررسی لیلوها در زبان بلوچی پرداخته‌ایم و هدف از این تحقیق، معرفی این اشعار عامه و تحلیل آن‌ها از دو منظر ساختار و درون‌مایه است. نگارنده با گردآوری مهم‌ترین لالایی‌های رایج در بلوچستان، ضمن معرفی این گونه سروده‌ها، نخست به بررسی وزن، قالب، قافیه و ردیف و سپس به تحلیل مهم‌ترین مضامین و کارکردها و پیوند آن‌ها با زندگی اجتماعی، مفاهیم دینی، وضعیت زندگی و باورهای گویشوران بلوچی پرداخته است. قالب همه لیلوها، «بلوچی سستی» است و از نظر وزن غالباً عروضی و در بحر قریب هستند. برخی از مضامین به کاررفته در آن‌ها عبارت‌اند از: بیان آرزوهای مادر برای فرزند، دعا برای بچه، آرام‌بخشی، کم کردن بی‌قراری‌های کودک، تشویق به شادی و نوازشگری کودک، جنگ در برابر دشمن، تشبیه کودک به قهرمانان قومی، بیان نوع خوراک کودک، داماد گرفتن با مهریه

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی، چابهار، ایران (نویسنده مسئول)

*jahandideh@cmu.ac.ir

<http://www.orcid.org/0000-0002-2178-4401>

سنگین، مهمان‌نوازی و دعا برای مادران بی‌اولاد که بچه‌دار شوند. شیوه بررسی در این مقاله، مطالعات میدانی و روش توصیفی - تحلیلی براساس شصت لالایی است. تاکنون درباره تحلیل ساختاری و محتوایی لالایی‌های بلوچی پژوهشی انجام نشده است. بنابراین انجام پژوهش برای شناخت این بخش ناشناخته از ادبیات عامه مردم بلوچستان ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: شعر عامه، لالایی بلوچی، لیلو، ساختار، درون‌مایه.

۱. مقدمه

درباره فرهنگ و ادبیات شفاهی، اهل ادب بسیار سخن گفته و پژوهندگان نظرهای گوناگون داده‌اند. آنچه از مجموعه این سخنان و تعریف‌ها برمی‌آید این است که «فرهنگ عامه دربرگیرنده تمام روایت‌ها و میراث‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و حتی سیاسی و اقتصادی است که بر زبان توده مردم از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود» (مرادی، ۱۳۹۴، ص. ۸۱). به عبارتی دیگر «فرهنگ شفاهی ساخته و پرداخته گروه خاصی نیست، بلکه اندیشه، هوش، هنر، دانش، احساسات و عواطف، امیال و و آرزوها و ناکامی یک ملت است و ریشه در گذشته‌های دور دارد» (وجدانی، ۱۳۸۷، ص. ۹۸).

بخشی از ادبیات عامه را ترانه‌های عامه تشکیل می‌دهد که انواع گوناگونی دارد. این گونه ترانه‌ها را «می‌توان مرحله اولیه شعر و موسیقی دانست و سرچشمه آن‌ها بسیار قدیمی و هم‌زمان با نخستین تراوش‌های معنوی بشر است» (هدایت، ۱۳۷۹، ص. ۳۸۵). «هیچ ترانه عامیانه‌ای وجود ندارد که گوینده آن شناخته شود، نه تنها مصنف، بلکه اغلب محل و زمان تقریبی آن هم مجهول است» (همان، ص. ۳۹۱).

ساختار و مضامین لیلو (لالایی) های بلوچی _____ عبدالغفور جهانپنده

طبقه‌بندی و تحلیل این ترانه‌ها ایجاب می‌کند که در کنار توجه به جنبه‌های مادی و معنوی، به ساختار ادبی آن‌ها نیز توجه شود، چراکه فرهنگ زبانی و ذوقی اقوام همراه با رویدادها و تحولات اجتماعی روند تغییرات خود را دنبال می‌کنند (جمالی، ۱۳۸۶، ص. ۲).

لالایی‌ها یکی از مهم‌ترین انواع شعر عامه هستند که در هر زبان، و فرهنگ هر ملتی صورت‌هایی از آن‌ها وجود دارد. این نوع از اشعار نشان‌دهنده روش‌های تعلیم و تربیت زمان خود هستند. با بررسی ساختاری و محتوایی این گونه آن‌ها در ادبیات ملل و اقوام مختلف، می‌توان به بسیاری از نکات ادبی، شیوه‌های تربیت، آرزوهای مادران، مسائل مردم‌شناختی و آن‌ها دست یافت.

۲-۱. بیان مسئله

لالایی‌ها مانند بسیاری دیگر از انواع ترانه، «آیینۀ تمام‌نمای بسیاری از تحولات اجتماعی هستند که بسیاری از آمال و آرزوهای افراد جامعه و بالاخص مادران در آن‌ها انعکاس پیدا کرده است. اندکی دقت در محتوای آن‌ها تغییرات اجتماعی دوره‌های مختلف را به سادگی نشان می‌دهد» (جمالی، ۱۳۸۶، ص. ۳). هر اثر ادبی دارای ساختاری است که آن را از سایر آثار ادبی جدا می‌کند. لالایی‌ها نیز دارای ساختاری با ویژگی‌های خود هستند.

بلوچ‌ها همانند اقوام ایرانی دیگر از ادبیات شفاهی و عامیانه پرباری برخوردار هستند. لالایی‌های این قوم دارای ویژگی‌هایی هستند که در زبان فارسی و زبان اقوام ایرانی کم‌تر به چشم می‌آیند. این ویژگی‌ها بیشتر در ساختار، قالب، وزن، و اندازه آن‌ها نمایان است و نیز برخی از مضامین و آرزوهای مادران درباره فرزندان خود، مانند جنگ و پایداری علیه دشمن، شکرگزاری از خداوند به سبب عطای بچه، بیان نوع

خوراک کودک، تشبیه کودک به قهرمانان قومی، داماد گرفتن با مهریه سنگین، مهمان‌نوازی و دعا برای مادران بی‌اولاد که بچه‌دار شوند و ... ، نسبت به لالایی‌های اقوام دیگر بیشتر نمود دارند. در این پژوهش ضمن بررسی ساختار و درون‌مایه این گونه اشعار، به ویژگی‌های آن‌ها اشاره خواهد شد.

۳-۱. ضرورت و اهداف

لالایی‌ها بخش مهمی از میراث فرهنگی و نشان‌دهنده زندگی اجتماعی هر ملتی است و انتقال آن‌ها برای نسل‌های بعد ضروری است. گردآوری و بررسی این گونه از اشعار عامیانه، برای شناخت اندیشه‌ها، باورها، ارزش‌های اجتماعی و آرزوها و امیال مردم هر منطقه‌ای مفید است.

۴-۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر براساس مطالعات میدانی و با روش توصیفی - تحلیلی است. گردآوری داده‌ها بیشتر میدانی و در توضیح و تحلیل و تطبیق از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. در این مقاله شصت لالایی از سرتاسر بلوچستان مورد بررسی ساختاری و محتوایی قرار گرفته و نمونه‌هایی از آن‌ها ضمن آوانویسی، به فارسی ترجمه شده است. راویان لالایی‌ها بیشتر بانوان کهن‌سالی هستند که این سروده‌ها را به‌صورت شفاهی، بی‌واسطه یا با واسطه خوانده‌اند.

۲. پیشینه تحقیق

نخستین کسی که در اثر مکتوب خود به لالایی‌های بلوچی اشاره کرده است، لانگ ورث دیمز^۱ انگلیسی است که در کتابی به نام «popular poetry of the baloches» در قرن نوزدهم میلادی تألیف کرده و سه قطعه از آن‌ها را آورده است. کار دیمز روی

ساختار و مضامین لیلو(لالایی)های بلوچی _____ عبدالغفور جهان‌دیده

گویش و ادبیات منظوم بلوچستان شرقی معطوف بوده است. چاپ نخست این کتاب در سال ۱۹۰۷ میلادی است.

درباره بررسی و تحلیل لالایی‌های بلوچی، پژوهشی انجام نگرفته است. دو تن از نویسندگان پاکستانی، فضل خالق (۲۰۰۷، کوئته، پاکستان) در کتاب *تکگ‌آنت سنج* و فقیر شاد (۲۰۱۷، کراچی). در کتاب *دُرَج* برخی از لالایی‌های بلوچی رایج در ایالت بلوچستان پاکستان را گردآوری و به چاپ رسانده‌اند. موضوع هر دو کتاب شعر عامه بلوچی است. هرکدام از این دو مؤلف لالایی‌های گردآوری‌شده را بدون تصحیح و تحلیل به گونه‌ای که شنیده‌اند، در فصل جداگانه‌ای از اثر خود به ثبت رسانده‌اند.

۳. مبانی نظری پژوهش

در زبان فارسی «لالا» یا «لَله» به معنی دایه و کسی است که در گذشته خواباندن و نگهداری بچه را بر عهده داشته است. با استناد به همین معنی، بسیاری از نویسندگان ریشه واژه لالایی را از همین کلمه دانسته‌اند و البته نظرهای دیگری نیز درباره ریشه این واژه ارائه داده‌اند.

این واژه در فرهنگ‌های ملل گوناگون، با عناوینی همچون: لالایی، لای‌لای، لالا، لالای، لولو، لالبی، نی‌نا، نانا، بوبو، دودو و ... یاد شده است (احمدپناهی سمنانی، ۱۳۸۳، ص. ۲۰۸) و معادل آن در انگلیسی «dullaby» است که از فعل «dull» به معنی آرام کردن مشتق شده است (بیگزاده، ۱۳۹۶، ص. ۲۲۵).

مضامین اصلی به کاررفته در لالایی‌ها بسیار متنوع و گوناگون است، موضوعاتی از قبیل دعا، نفرین، آرزو و دغدغه‌هایی است که مادران درباره آینده فرزندان‌شان دارند. «چنانچه از این مضامین پیداست، شعر این ترانه‌ها برای کودکان نبوده، بلکه کودک

حکم سنگ صبور را داشته و گفتار لالایی‌ها حدیث نفس مادرها و دایه‌هاست» (وجدانی، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۰).

«مهم‌ترین بخش ماهیتی این ترانه‌ها، جنبه موسیقایی آن‌هاست، کودک صرفاً از روی آهنگ است که اثر می‌پذیرد و به خواب می‌رود» (مقدسی، ۱۳۸۳، ص. ۱۵۹).

وزن و موسیقی از ویژگی‌های اصلی لالایی‌های ایرانی است. این اشعار در زبان فارسی «در اغلب موارد از تکرار مصراع‌های کوتاه، موزون و مقفی پدید آمده‌اند و یا به شکل چهارپاره هستند. وزن آن‌ها اغلب از تکرار پایه مفاعیلن (دو بار یا بیشتر) حاصل می‌آید. پرکارترین وزن، تکرار دو مفاعیلن است» (مقدسی، ۱۳۸۳، ص. ۱۵۸). قالب و وزن لالایی‌ها در زبان بلوچی به گونه‌ای دیگر است و با آنچه در فارسی است تفاوت دارد و در این مقاله به آن خواهیم پرداخت.

۱-۳. لالایی در ادبیات بلوچی

در زبان بلوچی به لالایی «لیلو *lilō*»، «لولی *dōli*»، «لولایی *dōlāi*» و «لیلک *lillok*» می‌گویند؛ البته بیشتر با نام «لیلو» شهرت دارد. نخستین مصراع لالایی‌ها معمولاً با تکرار کلمه «لیلو» یا «لولی» و گاهی کوتاه‌شده این دو واژه و همچنین واژه‌هایی که واج «ل» در آن‌ها تکرار می‌شود، مانند: «آلّا *ollā*»، «آلّا *allā*»، «آلّا *ololā*» می‌آید. این مصراع علاوه بر آغاز، در میانه یا به صورت مکرر در میان مصراع‌های لیلو می‌آید، البته این ویژگی برای همه لیلوها صدق نمی‌کند. واژه «آلّا» در زبان کودکانه، معادل «لالا»ی فارسی، به معنی خواب است. تکرار «لالا لالا» در لالایی‌های فارسی و تکرار «لیلو لیلو» یا «لولی لولی» یا کلمات همانند آن، در لیلوها از آوایی آرام‌بخش برخوردار است، توجه کودک را به خود جلب می‌کند و از موسیقی آن لذت می‌برد، برخی از این مصراع‌ها که در روایت‌های گوناگون به چند شکل ذکر می‌شوند، عبارت‌اند از:.

لیلو لیلو و لیلو لیل
لیلو لیکن و لیلو لیل
لیلو لیلو و لیلو بات
لیلو لیکن و لیلو بات
لیلو لیل کنان بچیگ
لولی لول کنان لال را
لولی من دیان بچی
الاهو آلات کنان
هلا هلا کنان بچیگ

و

لالایی‌های بلوچی، همانند لالایی‌های بسیاری از مناطق دیگر، دارای مضامین گسترده و متنوع و متأثر از طبیعت و محیط پیرامون مردم بلوچ، و از درون‌مایه‌ای احساسی بسیار غنی برخوردار هستند. این لالایی‌ها به دلیل شفاهی بودن، دارای روایت‌های گوناگونی هستند و در واقع این ترانه‌ها عرصه‌ای برای ذوق‌آزمایی مادران و سرایندگان آن‌ها بوده و برخی از آن‌ها کوتاه و بعضی بلند هستند و گاهی به یک‌صد مصراع هم می‌رسند.

زبان بیشتر لیلوها مانند زبان شعر کهن بلوچی، محکم و استوار، ولی ساده و فصیح است، از واژه‌های کودکانه کم‌تر استفاده شده است، گویا با توجه به این‌که «کودک زیبایی‌های کلامی را در آهنگ و موسیقی باز می‌یابد نه در معنای کلام» (حسن‌لی، ۱۳۸۲، ص. ۶۶). آهنگ آن‌ها را برای خواباندن و آرام کردن کودک کافی دانسته‌اند.

۲-۳. ساختار لایه‌های بلوچی

۱-۲-۳. وزن

همه لایه‌های بلوچی بر یک وزن سروده شده‌اند و آن «مفعولن، مفاعیلن، فع (فاع)» بحر قریب مسدس اخرم مجحوف است.

قریب، به معنی «نزدیک و خویشاوند» و یکی از بحرهای است که عروضیان ایرانی همراه با دو بحر دیگر (جدید و مشاکل) آن را کشف کرده‌اند و به دلیل قرابت با بحر مضارع یا نزدیکی و نوی در زمان ابداع، به این نام (قریب) خوانده شده است. عروضیان این بحر را مخصوص شعر فارسی می‌شمارند (مدرسی، ۱۳۸۴، ص. ۱۴۵).

به نظر می‌آید که این بحر فقط ویژه شعر فارسی نیست، بلکه بهتر است بگوییم وزنی ایرانی است، چون در شعر بلوچی، یکی از پرکاربردترین وزن‌هاست و جایگاه سوم را از نظر بسامد دارد (جهان‌دیده، ۱۳۹۹، ص. ۱۰۸). این بحر مختلف‌الارکان و سالم آن، «مفاعیلن، مفاعیلن، فاعلاتن» است، اما مزاحف آن بیشتر از سالم آن رایج است. در بلوچی از بحر قریب فقط یک وزن (مفعولن، مفاعیلن، فع) آن پرکاربرد است و این وزن در همه قالب‌ها و موضوعات کاربرد دارد. «درصد بزرگی از شعر کهن بلوچی، و همچنین در ادوار مختلف، از شعر کلاسیک گرفته تا عامیانه، در این وزن سروده شده‌اند» (همان).

allā lilō o lilō bāt	آا لیلو و لیلو بات
lilō ma hamok kolla bāt	لیلو مه همک کُل بات
rōzig e hamok māta bāt	روزیگ همک مات بات ...

برگردان: الهی لیلو برقرار باد/ لایه در هر خانه‌ای خوانده شود/ و [خواندن آن]

نصیب هر مادری باد.

ال - لا - لی - لو - وُ - لی - لو - بات
 لی - لو - مان - هَ - مُک / کُل - لا - بات
 رو - زی - گِ - هَ - مُک - ما - تا - بات
 - - - / ن - - - /
 مفعولن مفاعیلن فاع

۲-۲-۳. قافیه و ردیف

قافیه نوعی زمینه سازی برای القای موسیقی شعر در ذهن آدمی است. تکرار الفاظی که از نظر معنا و احتمالاً از لحاظ شکل ظاهری با هم متفاوت، ولی از نظر لحن و آهنگ هم نوا هستند، لذتی به آدمی می بخشد، نزدیک است به لذتی که از استماع نغمه ای دریافت می کنیم (ملاح، ۱۳۶۷، ص. ۸۳). قافیه از زمان های کهن در شعر بلوچی وجود داشته است. بسیاری از اشعار عامه و ضرب المثل ها و چیستان ها قافیه دار هستند. البته به دلیل این که اشعار بلوچی در گذشته، شفاهی بوده است و کتابت شعر عامه به نیم قرن پیش نمی رسد و خنیاگران و راویان آن ها را به ذهن می سپرده و از حفظ می خوانده اند، جابه جایی و تغییر مصراع ها و در نتیجه ناهماهنگی برخی از قوافی، امری طبیعی و معمول بوده است. بنابراین بیشتر لالایی های بلوچی قافیه دار هستند، ولی گاهی بعضی از مصراع ها قافیه ندارند و علت آن همان گونه که گفتیم شفاهی بودن و تکرار زیاد این اشعار توسط افراد گوناگون بوده است.

در چند مصراع زیر که بخشی از یک لالایی است، مصراع نخست قافیه ندارد، چهار مصراع بعد، دو به دو هم قافیه هستند.

lillō lill mani baččiga	لیلو لیل منی بَچِیگَءَ
baččiga kasāṇ-sālēna	بَچِیگَءَ کَسان سالینَءَ
baččiga šakargālēna	بَچِیگَءَ شَکَرگالینَءَ

dūši baččoka bāz grētag دوشی بچکء باز گرتگ
arsāni kalampor retkag آرسانی کلمپُر رتگگ

برگردان: برای پسرِم لالایی می‌خوانم / پسر کوچکم / پسر شیرین‌سخنم / دیشب پسرِم
بسیار گریسته است / اشک‌های گل می‌خک‌مانندش ریخته‌اند.

ردیف که تکرار یک یا چند کلمه پس از قافیه است، «در شعر فارسی سابقه‌ای
طولانی و اهمیتی بسیار دارد، حتی قبل از آفرینش شعر به زبان ادبی، در ترانه‌های
عامیانه، ردیف به چشم می‌خورد» (طالبیان، ۱۳۸۴، ص. ۱۰).

در شعر کهن بلوچی و همچنین در شعر عامیانه بلوچی، گاهی ردیف به‌کار رفته
است. البته این کاربرد در لالایی‌ها خیلی به چشم نمی‌آید. در مصراع زیر «بیت» ردیف
است و پس از قافیه آمده است:

baččig a rodit warnāh bit بچِیگ رُدیت ورنه بیت
molka ezzat i barjāh bit هرروچ گون پت همراه بیت
har rōč gōṇ peta hamrāh bit مُلک، اَزَتی بَرجاه بیت

برگردان: پسر[م] رشد می‌کند و جوان می‌شود / در شهر دارای نام و آبرو می‌گردد /
هر روز با پدر همراه می‌شود.

بسیاری از مصراع‌های لالایی‌ها قافیه ندارند و جایگاه قافیه آن‌ها با ردیف جبران
شده است. مانند دو مصراع نخست زیر که بخشی از یک لالایی هستند، «بیت» جایگاه
قافیه را گرفته است.

kad bit o kojām bāndāt bit کد بیت و کُجام باندات بیت
baččōṇ ālm o mollā bit بچون آلم و مُلا بیت
neṇḍi maṇ masitte tāka نندی مان مسیت تاک
sijozmēṇ korāna wānit سی‌جُزمین کُران وانیت

ساختار و مضامین لیلو (لالایی) های بلوچی _____ عبدالغفور جهانانیده

برگردان: کی می شود و کدام روز خواهد شد/ که پسرِ عالم و مُلا شود/ در گوشه‌ای از مسجد بنشیند/ و سی جزء قرآن را تلاوت کند.

۳-۲-۳. قالب لالایی های بلوچی

قالب لیلوها «بلوچی ستی» است. شعر کهن و عامه بلوچی کلاً در همین قالب است و در زمان معاصر نیز طرفداران زیادی دارد. این قالب از نظر قافیه‌چینی به بحر طویل شباهت دارد و شاعر مختار است که قافیه‌ها را چگونه بچیند یا مرتب کند. مثلاً در یک شعر که ۲۵ مصراع دارد، همه مصراع‌ها می‌توانند هم‌قافیه باشند یا این که پنج مصراع اول هم‌قافیه باشد و پس از آن، قافیه را عوض کند و سه مصراع دیگر را هم‌قافیه کند و مصراع‌های دیگر را به همین ترتیب، به صورت دو تا و شش تا، بیشتر یا کم‌تر در قافیه‌های جداگانه بیاورد.

۳-۳. جنبه‌های هنری و زیباشناختی لالایی های بلوچی

لالایی‌ها دارای بیان ساده و فاقد آرایه‌های ادبی پیچیده هستند. پربسامدترین آرایه به کاررفته در آن‌ها تشبیه است. مادر کودک خود را با تشبیهات عینی و ملموس به عناصر طبیعت توصیف می‌کند. در قطعه زیر که بخشی از یک لالایی است، مادر مهر خود را نسبت به فرزندش، به دوستی پرنده به جوجه‌اش و علاقه آهو به چشم‌های درشتش و وابستگی خرگوش به بدن نرمش تشبیه می‌کند:

ančō ke mana bačči dōst	انچو که من بچی دوست
kollēn ālama parzaṇd dōst	کلین عالم پرزند دوست
morgā ra wati čonki dōst	مُرگا را وتی چُنکی دوست
āhūga wati zaṇdēn čamm	آهوگَ وتی زندین چم

kargōška wati lahmēṇ jān کرگوشک و تی لهمین جان

برگردان: پسر من را آن‌گونه دوست دارم/ که همه جانداران فرزندان‌شان را دوست دارند/ آهو چشم‌های درشتش/ و پرنده جوجه‌اش/ و خرگوش بدن نرمش را دوست دارد.

در قطعه زیر مادر اشک‌های دخترش را به گل میخک تشبیه کرده است:

dūši bānoka bāz grētag دوشی بانک باز گرینگ

ars i retkagāṇ ča čammān آرسی رتکگان چه چمان

arsāni kalaampor retkag ارسانی کلمپر رتکگ

برگردان: دیشب دخترم بسیار گریسته است/ اشک از چشم‌هایش جاری شده است/ اشک‌هایش همانند گل میخک ریخته‌اند.

در قطعه زیر مادر دخترش را به جواهری مانند لعل و کهربا و مروارید مانند کرده

است:

lilū lil mani šahzādag لیلو لیل منی شهزادگ

lāl o kahrabā dordānag لال و کهربا دردانگ

برگردان: لیلو لیل (لالا لالا) دخترم شاهزاده‌ای است/ که در زیبایی همانند لعل و کهربا و مروارید می‌درخشد.

۴-۳. انواع لالایی‌های بلوچی

لالایی‌های بلوچی به دو نوع دخترانه و پسرانه تقسیم می‌شوند و برخی از آن‌ها به هر دو جنس اشاره دارند. نوع لیلوها را می‌توان از روی خطاب مادر به فرزند یا مضمون و توصیفات آن‌ها شناخت. برخی از آن‌ها از نظر مضمون و حتی کلمات و جملات یکی هستند و تفاوت آن‌ها فقط در خطاب مادر است که اسم یا صفت دختر یا پسر را بر

ساختار و مضامین لیلو (لالایی) های بلوچی _____ عبدالغفور جهانانیده

زبان آورد. لالایی های پسرانه بیشتر از دخترانه است، اما در توصیفات، دختر و پسر را یکسان می ستایند و یکی را بر دیگری ترجیح نمی دهند.

۳-۴-۱. لالایی های دخترانه

در این گونه لالایی ها، خطاب مادر به فرزند با واژه هایی است که به معنی دختر یا صفت آن است. مانند: «جَنک janek» (دختر)، «بَانُک bānok» (بانو)، «مَهرنگ mahrang» (ماهرو، زیبا)، «لال lāl» (زیبا و خوش قیافه)، «جانی» یا «جانینگ jānig» (عزیز دوست داشتنی).

دختر به زیبایی و مهمان نوازی ستوده می شود و ارزش او را در برابر این که در عقد کسی درآید، بسیار می دانند.

lilō kaṇ mani mahraṅga	لیلو کن منی مهرنگ
lilō bāt mani mahraṅga	لیلو بات منی مهرنگ
mahraṅgēṇ bolōrbālāda	مهرنگین بلوربالا
hūr o pareštagāni syāda	هور و پرشتگانی سیاد

برگردان: برای دختر زیبایم لالایی بخوان / لالایی برای دختر ماهرویم باد / دختر زیبا و خوش قامت را / خویشاوند حوری ها و فرشته ها.

گاهی توصیفات نیز دخترانه و مربوط به زنان است:

jāni ča gohārāṇ yakkē	جانی چه گُهاران یَکی
kimatti hazār i lakkē	کیمَتی هزار و لَکی
dāštag pa kalāti ḍakkē	داشتگ په کلاتی دَکی
zāmāt e kanāṇ watsyādē	زاماتِ کنان و تسیادی
rāji wāja o bāzmālē	راجی واجه و بازمالی

برگردان: دختر عزیزم در میان خواهران تک است/ ارزشش به اندازه هزار و صد هزار [سکه] است/ او را برای صاحب قلعه‌ای (مهریه‌ای سنگین) نگاه داشته‌ام/ کسی از خویشاوندان را به دامادی می‌پذیرم/ کسی که اصیل و ثروتمند باشد.

۲-۴-۳. لالایی‌های پسرانه

در لالایی‌های پسرانه خطاب مادر به فرزند با واژه‌هایی است که به معنی پسر است. واژه «بچ» *bačč* به معنی پسر است و به شکل‌های «بچی *bačči*»، «بچیگ *baččig*»، «بچک *baččok*» نیز می‌آید. در این گونه لالایی‌ها، دلیری، جنگاوری، سخنوری، کمک به هم‌نوع، شأن اجتماعی و ... صفاتی است که به پسران نسبت می‌دهند یا آرزو می‌کنند.

<i>lillō lill mani baččiga</i>	لیلو لیل منی بچیگ ...
<i>wābē pa salāmat byāyāt</i>	وابی په سلامت بیایات
<i>baččiga gerāt māṇ čanmmāṇ</i>	بچیگ گرات مان چمان
<i>čammān o bazēṇ borwānāṇ</i>	چمان و بزین برونان
<i>baččig a rodit warnā bit</i>	بچیگ ردیت ورنه بیت
<i>syāhēṇ čōṭawāna randit</i>	سیاهین چوتوان رندیت
<i>pāgē wājahigē bandit</i>	پاگی واجهیگی بندیت
<i>miri šāna kaṇt o kandit</i>	میری شان کنت و کندیت
<i>sakkiyāṇ katāra bandit</i>	سککیان کتار بندیت
<i>pollēṇ pattarāna neṇdit</i>	پلین پتران نندیت
<i>grānēṇ jēṇawāna sendit</i>	گرانین جیروان سندنیت
<i>lillō lil kanāṇ baččiga</i>	لیلو لیل کانان بچیگ

برگردان: پسر، آرام بخواب/ خوابی به سلامتی بیاید/ چشم‌های پسر را فراگیرد/ چشم‌ها و ابروهای پرپشتش/ پسر رشد می‌کند و جوان می‌شود/ موهای سیاهش را

ساختار و مضامین لیلو(لالایی)های بلوچی _____ عبدالغفور جهانانیده

شانه می‌زند/ و عمامه سروری بر سر می‌نهد/ رفتار امیرانه دارد و می‌خندد/ هنگام سختی‌ها (در برابر هجوم دشمنان) آماده و مسلح می‌شود/ در مجالس قومی حضور می‌یابد/ و اختلافات شدید را حل می‌کند/ برای پسر دلیرم لالایی می‌خوانم.

۵-۳. درون‌مایه لالایی‌ها

درون‌مایه لالایی‌ها بازتاب باورها، اندیشه‌ها و بینش‌های اجتماعی مردم است که با تأثیرپذیری از شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و محیط زندگی شکل می‌گیرند.

۱-۵-۳. دعا برای بچه

مضمون دعا و خیرخواهی از خداوند، از مضامین مهم بیشتر لالایی‌هاست. مادر از خداوند می‌خواهد که فرزندش از گزند حوادث و مشکلات زندگی در امان باشد و محتاج کسی نباشد.

lilō lil kanāṇ baččiga	لیلو لیل کنان بچیگ
allāh ow hodā dādāni	الله اُ هدا دادانی
čamdāri makaṇ syādāni	چمداری مکن سیادانی
syādāni dayag bāṇji yē	سیادانی دیگ بانجی یی
bāṇji pa mennat o lilā eṇt	بانجی په منت و لیلانت
bačči ya hodā pahrēz kan	بچی هدا پهریز کن
šahr e kallag o čamdōrāṇ	شهر کُگ و چمدوران

برگردان: برای پسر لالایی می‌خوانم/ ای خداوند بخشنده/ پسر را محتاج خویشاوندان نکن/ دهش خویشاوندان هدیه‌ای است که عوض دارد/ هدیه آن‌ها با منت است/ ای خداوند پسر را نگاه دار/ از بیماری‌ها و چشم‌دردهای شهر و اطراف.

۲-۵-۳. دعا برای زنانی که بچه‌دار نیستند.

در لالایی‌های بلوچی، مادرانی که بچه دارند، برای زنانی که بچه‌دار نشده‌اند، دعا می‌کنند که الهی آن‌ها هم صاحب فرزند گردند.

allā lilō o lilō bāt	اَلَا لیلو و لیلو بات
lilō ma hamok kola bāt	لیلو مه همک کُلْ بات
rōzig e hamok māta bāt	روزیک همک مات بات

برگردان: لالایی همواره برقرار باد/ الهی لالایی در هر خانه‌ای خوانده شود/ خواندن آن نصیب هر مادری باد.

۳-۵-۳. شکرگزاری از خداوند به دلیل عطای بچه

مادران در برابر بچه‌دار شدن خود شکرگزار خداوند هستند و این شکرگزاری را در لالایی‌های خود بیان می‌کنند.

korbān pa hodā e nāma	گُربان پَه هُداءِ نام
borzēn hālek e rahmāna	برزین خالقِ رحمان
čār yār o nabi ye pāka	چار یار و نبی پاک
periyāt o doā gōn kaptag	پریات و دعا گون کپتگ
baččib pa morāda dātag	بچی پَه مراد دانگ
jāni pa dele niyyata	جانی پَه دل نیت...

برگردان: فدای نام خداوند بشوم/ خداوند آفریننده و مهربان/ پیامبر و چهار یارش را می‌ستایم/ دعا کرده‌ام و از خداوند خواسته‌ام/ طبق آرزویم پسری به من بخشیده است/ و با نیتی که داشته‌ام، دختری عطا کرده است.

۳-۵-۴. جنگ و پایداری علیه دشمن مهاجم

در گذشته قبیله های بلوچ، همواره مورد هجوم مهاجمان غارتگر قرار داشته و جوانان جنگجوی برای دفاع از نام و ناموس خود، همواره آماده جانفشانی بوده اند. مادران در لالایی های خود، پسران را محافظ و نجات دهنده خود از دست مهاجمان و دشمنان می دانند.

nenḍān o bačak rōdēnāṇ	... نندان و بچک رودینان
rōčē ke sarōṇ sawbē gipt	روچی که سرون سوبی گیت
tork e bōr horōšē beyārit	تُرک بور هُروشی بیاریت
baččōṇ pa kamē sargējit	بَچُون پَه کمی سرگیجیت

برگردان: می مانم و پسر بزرگ می کنم / اگر روزی مصیبتی پیش آید / و لشکر تُرکان به شهر ما هجوم آورند، / پسر [دلیرانه می جنگد و] ما را از دست آن ها نجات می دهد.

۳-۵-۵. بیان خواسته ها و آرزوها

مادران برای فرزندان خود آرزوهای متنوعی دارند، مانند بزرگ شدن فرزند، دارای شأن و منزلت اجتماعی شدن، درس خواندن و باسواد و مُلا شدن و

kad bit o kojām bāndāt bit	کد بیت و کُجام باندات بیت
bačč-ōṇ ālm o mollā bit	بَچُون عَالِم و مُلا بیت
neṇdi maṇ masitte tāka	نندی من مسیتِ تاک
sijozmēṇ korāna wānit	سی جُزمین کُران و انیت
zarrēṇ lawhē maṇ dastāṇ bit	زرین لوهی مان دستان بیت
jaṇt o kāgadāṇ rah dāteṇt	جنت و کاگدان رَه داتِ انت
espētēṇ sarōṇ syāha bit kahrēṇ	اِسپیتین سرون سیاه بیت
del dobar warnā bit hečkiga	کهرین دل دو بر و رنا بیت
sapi bāṅgwāhōāṇ	هیچکیگ سپی بانگواهان
bāgi tējagāṇ nārka jaṇt	باگی تیجگان نارک جنت

پیران که دویر ورنّا بان... pirāṇ ke do bar warnā bāṇ
 برگردان: کی می‌شود و آن روز کی می‌آید/ که پسرِ عالم و ملّا شود/ بر گوشهٔ
 مسجد بنشیند/ و قرآن سی‌جُزئی را بخواند/ لوحهٔ زرین را بر دست گیرد/ قلم بر دست
 گیرد و نامه نویسد/ موهای سفیدم سیاه می‌شود/ دل پریشانم جوان می‌گردد/ و مانند
 گل گلرنگ بامدادان می‌شکفتد/ و به سانِ بوته‌های خربزه‌های باغی جوانه می‌زند/ پیر
 هستم و دوباره جوان می‌شوم.

۳-۵-۶. تشبیه کودک به قهرمانان ملی و قومی

مادران بلوچ آرزو دارند که فرزندانشان همانند قهرمانان قومی، نامدار و برجسته باشند.
 مثلاً در لالایی زیر که بسیار مشهور است، مادر پسرش را به «گُوهرام»، «هَیتانِ بیبگر»،
 «شیمَرید»، «میر چاکر» تشبیه کرده است، هرکدام از این افراد قهرمانان حماسه‌های
 بلوچی هستند.

baččōṇ	tēgzanēṇ	gwahrām	eṇt	بچُون تیگ‌زنین گُوهرام اِنْت
kawlāṇ	haybatāṇ	bibagr	eṇt	کولان هَیتانِ بیبگر اِنْت
šartāṇ	šaymorid	e	tēg eṇt	شَرَتان شَی‌مُرید تیگ اِنْت...
kostig	čel	mardome	maṭṭ eṇt	کُستیگ چَل مردم مَت اِنْت
baččōṇ	čākar	e	šayhakk eṇt	بچ‌اون چاکر شَیْهَک اِنْت
aspāṇ	bē	lagāma	tāčit	اسپان بی‌لگام تاجیت

برگردان: پسرِم گُوهرام شمشیرزن است/ در عمل به پیمانِ هَیتانِ بیبگر/ و در وفای
 به عهدِ شیمَرید است/ در کشتی گرفتن حریفِ چهل تن است/ پسرِم چاکرِ شَیْهَک
 است/ اسب‌های سرکش را بدون افسار می‌تازاند.

۷-۵-۳. تشویق کودک به خوابیدن و آرام گرفتن

هدف اصلی خواندن لالایی، خواباندن کودک و کم کردن بی‌قراری اوست. مادر از کودک می‌خواهد که بخوابد و بی‌قراری نکند؛ این موضوع مکرراً در لالایی‌ها آمده است.

bwaps ke wāb tarā rōdēnit	بُوپس که واب ترا رودنیت
bē-wābi tarā ranjēnit	بی‌وایی ترا رنجینیت
bēwābi dožmenāni bahr bāt	بی‌وایی دژمنانی بهر بات
wābē pa salāmat byāyāt	وایی په سلامت بیایات
baččiga gerāt māñ čanmmāñ	بَچِیگَ گرات مان چَمَن
lillō lil kanāñ baččiga	لیلو لیل کنان بَچِیگَ

برگردان: فرزندم، بخواب که خواب سبب رشد تو می‌شود/ بی‌خوابی تو را آزار می‌دهد/ الهی بی‌خوابی نصیب دشمنان باد/ برای سلامتی‌ات خوابی بیاید/ و بر چشم‌هایت غالب گردد/ برای پسر لالایی می‌خوانم.

lilo lil kanāñ baččiga	لیلو لیل کنان بچِیگَ
baččiga na-sahrit o grēt	بچِیگَ نسهریت و گُریت
waps ke man tarā nāzēnāñ	وپس که من ترا نازینان
nāzākēñ dela ranjēnāñ	نازاکین دل سهرینان

برگردان: برای پسر لالایی می‌خوانم/ پسر آرام نمی‌گیرد و می‌گرید/ بخواب که من تو را نوازش می‌کنم/ دل نازنینت را آرام می‌گردانم.

۸-۵-۳. اظهار شادی از تولد کودک

مادر آرزومند تولد فرزندش است، او و وابستگان از تولد بچه اظهار شادی می‌کنند. توصیف این شادی در لالایی‌ها این‌گونه آمده است:

ā šap ke mani bač bittag	آ شب که منی بچ بیتگ
hawrān pa bašārat gwartag	هوران په بشارت گورتگ
kōh o kallagān āp zortag	کوه و کلگان آپ زرتگ
šahrān yak horōšē ārtag	شهران یک هزوری آرتگ
čammān čārčerāg rōk bittag	چمان چارچراگ روک بیتگ
kol gōn gwānzaga šahm geptag	کل گون گوانزگ شهم گپتگ

برگردان: آن شب که پسرم به دنیا آمد/ ابرها باریدند و مزده رحمت دادند/ کوه‌ها و دره‌ها پر از آب شدند/ مردم [جهت شادی] حاضر شدند/ چشم‌هایم مانند چراغ روشن شدند/ اتاق با گهواره نورانی شد.

lilō lil mani mahraṅga	لیلو لیل منی مهرنگ
mahraṅgēn bolōr-bālāda	مهرنگین بلور بالاد
hūr o pareštagāni syāda	هور و پرشتگانی سیاد
lāl o talmale bonyāda	لال و تلمل بنیاد
ā šap ke mani lāl bitag	آ شب که منی لال بیتگ
molk o holkawān gal zortag	ملک و هلکوان گل زرتگ
syād o wāresān romb zortag	سیاد و وارسان رومب کُرتگ
kol ča bānokān por bitag	کل چه بانکان پُر بیتگ
čāngāl o ḍalagwār bitag	چانگال و دلگوار بیتگ

برگردان: برای دخترم زیبایم لالایی می‌خوانم/ دختر ماهرو و خوش‌اندام/ خویشاوند حوری‌ها و فرشته‌هاست/ زیبا و ارزشمند چون جواهر قیمتی./ آن شب که دخترم به دنیا آمد/ همه مردم محل خوشحال شدند/ خویشاوندان گروه گروه آمدند/ خانه از بانوان پُر شد/ [جهت شادی] چنگ‌مال و بلغور خوردند.

۳-۵-۹. اظهار کردن مهر خود به کودک

مادران به کودکان خود مهر می‌ورزند و این مهرورزی را در لالایی‌ها انعکاس می‌دهند.

bačči mni dela sak dōst eṇt	بچی منی دل سک دوست انت
ančō ke mana baččig dōst	آنچو که من بچیگ دوست
kollēṇ ālama parzaṇd dōst	کلین آلم پرزند دوست
morga ra wati čonki dōst	مُرگا را وتی چُنکی دوست
āhūga wati zaṇdēṇ čamm	آهوگا وتی زندین چَم
kargōška wati lahmēṇ jān	کرگوشکا وتی لَهمین جان
moška ra halinē nāhē	مُشکا را هَلینی ناهی
bačči mni dela sak dōst eṇt	بچی منی دل سک دوست انت
bačči lāyeke nāzēṇk eṇt	بچی لایک نازینک انت

(فضل خالق، ۲۰۰۷، ص. ۶۷)

برگردان: پسر من تو را خیلی دوست دارم / همان‌گونه که من تو را دوست دارم / همه جانداران فرزندان خود را دوست دارند / [تو را دوست دارم] همانند پرنده که جوجه خود را دوست دارد / و آهو چشمان زیبایش را / خرگوش بدن نرمش را / موش، خرماي «هلینی» را / پسر من تو را خیلی دوست دارم / ای پسر تو شایسته نوازش و تعریف هستی.

۳-۵-۱۰. اندرز به کودک

مادر از همان دوران کودکی، در گهواره به فرزندش اندرز می‌دهد که به راه اشتباه پای نگذارد و مسیر زندگی را درست انتخاب کند. در لالایی زیر با نصایح خود تأکید می‌کند که از شیطن دست بردارد و پرندگان را اذیت نکند.

baččig taw makaṇ šaytāni	بچیگ تو مکن شیطانی
ronḡrāhāṇ maraw čōṭēnāṇ	رَنگ‌راهان مَرَو چوتینان
morgāṇ bāl maday sabzēnāṇ	مُرگان بال مدی سبزینان
bell eš ke gwazaṇt bālādi	بلّ ایش که گُوزانت بالادی
neṇdaṇt pa henār e tākāṇ	نندانت پَه هَنارِ تاکان
rōpaṇt o waraṇt henjir-bar	روپ انت و وَرنت هنجیربر

dast-drōt	kanant	henjirān	دست‌دروت	کننت	هنجیران
āpān	a	warant	šahjō	e	آپان
čēṅk	ča	tai	pet	e	jōhāna
			چینک	چه	تنی پت جوهان

برگردان: پسر شیطنت نکن/ به راه‌های کج و اشتباه پای نگذار/ پرنده‌های سبزرنگ
را نپران/ بگذار بر بالای سر ما پرواز کنند/ و بر شاخه‌های درختان انار بنشینند/ و
میوه‌های انجیر بخورند/ بر درختان انجیر بنشینند و با برگ‌های آن‌ها بازی کنند/ و از
آب‌های نهر بنوشند/ و از خرمن پدرت دانه بچینند.

۱۱-۵-۳. نقش پدر در لالایی‌های بلوچی

لالایی‌ها بیشتر با نام مادر گره خورده‌اند و پدر در خواندن و ایجاد نقش در آن، کم‌تر
محسوس است. البته گاهی پدر همانند مادر گهواره را تکان می‌دهد و فرزندش را
نوازش می‌کند.

lillō	lill	mani	baččiga	لیلو	لیل	منی	بچیگ	...
dūši	baččoka	bāz	grētag	دوشی	بچیگ	باز	گرتیگ	
māt	pa	bēgami	wāb	kaptag	مات	په	بی‌گمی	واب
šahmirēṅ	pet	i	zahr	geptag	شهمیرین	پتی	زهر	گپتیگ
baččig	pa	morād	nāzēṅtag	بچیگ	په	مُراد	نازیبتیگ	
šāgēṅ	gwāṅzage	čandēṅtag		شاگین	گوانزگی	چندیتیگ		
bwaps	ke	wāb	tarā	rōdēnit	بُوپس	که	واب	ترا رودینیت
bē-wābi		tarā	raṅjēnit		بی‌وابی	ترا	رنجینیت	

برگردان: برای پسر لالایی می‌خوانم/ دیشب پسرکم بسیار گریسته است/ مادرش با
بی‌خیالی به خواب رفته است/ پدر بزرگوارش عصبانی شده و / پسر را با نوازش آرام
کرده است/ گهواره‌اش را تکان داده است:/ بخواب [پسر] که خواب سبب رشد تو
می‌شود/ بی‌خوابی تو را بیمار و لاغر می‌کند.

۱۲-۵-۳. غذاها و خوراک‌های کودک

در لالایی‌ها می‌توان پی برد که تغذیه کودک چه بوده و مادران به کودکان خود چه خوراک‌هایی خورانده‌اند.

man baččig pa tanawb rōdēntag	من بچینگ په تنوب رودبنتگ
pāsāṇ šakkalēṇ šir dātag	پاسان شکلین شیر داتگ
sohbāṇ mastag o gwaṇgi nāh	سُهبان مستگ و گونگی ناه
nēmročāṇ panēr hōnakkēṇ	نیمروچان پنیر هونکین

برگردان: پسر را با ناز پرورده‌ام/ در ساعات شب به او شیر گوارا داده‌ام/ صبح‌ها ماست و خرما می‌نخل جوان/ نیمروزان پنیری که دل را خنک می‌کند.

۱۳-۵-۳. داماد گرفتن با مهریه سنگین

تعیین کردن مهریه سنگین، نشانه ارزش دختران در جامعه مردم بلوچ بوده است. این موضوع در لالایی‌ها و برخی دیگر از اشعار عامه انعکاس یافته است.

lilō lil mani mahraṅga	لیلو لیل منی مهرنگ
mahraṅgēṇ bolōr-bālāda	مهرنگین بلوربالاد
kar byeyt pa gola zāmāt bi	کتی بییت په گل زامات بی
šaš mähē raw o āyāṇ bi	شش ماهی رو و آیان بی
jotkē mōčari šengēnit	جتکی موچری شینگینیت
say jotk āsenēṇ kawš derriṭ	سی جتک آسین کوش دریت
zarra čo jaw e jōhān kaṇt	زرر چو جو جوهان کنت
sora čo korōče nāha	سُهر چو کُروچ ناه
rāziga nabit lāle māṭ	رازیگ نه‌بیت لال مات
rāzig nabit pa ēšān	رازیگ نبیت په ایشان

برگردان: برای دختر ماه‌رویم لالایی می‌خوانم/ دختر زیبا و خوش‌اندام/ کی می‌شود که برای دخترم خواستگار بیاید/ خواستگار اگر شش ماه برای خواستگاری

رفت و آمد کند / [با رفت و آمدش] یک جفت کفش محکم چرمی / و سه جفت کفش آهنی پاره کند / پول به اندازه خرمن جو / طلا همانند خرمای نخل کروج [جلو ما] بریزد / هنوز مادر دختر راضی نمی شود / به این پول و طلا راضی نمی گردد. [و چیزهای بیشتری می خواهد]

۳-۵-۱۴. پذیرایی و مهمان‌نوازی

مهمان‌نوازی از رسوم و اصول فرهنگی قوم بلوچ است، پذیرایی از مهمان و خویشاوندان آدابی دارد که مادران از همان دوران کودکی به فرزندان یاد می‌دهند. در لالایی‌های بلوچی، مادران به دختران - که در آینده مدیریت خانه را به دست خواهند گرفت - این نکات تربیتی را یادآوری می‌کند. در لالایی زیر مادر آرزو می‌کند دخترش بزرگ شود و پس از ازدواج مهمان‌نواز خوبی باشد:

lilō lil mani lāla rā	لیلو لیل منی لال را
lilō mni dapa pollē bāt	لیلو منی دپ پُلی بات
poll māṇ bānoke jiga bāt	پُل ماں بانُک جیگ بات
korbānāṇ hamā rōčāni	کُربانان هما روچانی
bānok sargwap o kolli bit	بانُک سرگُوپ و کُلی بیت
koll i hamrede gohārāṇ bit	کُلی همرد گُهاران بیت
byeyt o rāj tai mehmān bit	بُییت و راج تئی مهمان بیت

(فقیر شاد، ۲۰۱۷، ص. ۱۱۰)

برگردان: برای دخترم لالایی می‌خوانم / لالایی در دهان من گُلی باد / گُل بر گریبان دخترم باد / آرزومند آن روزهایی هستم / که دخترم آراسته و عروس و در خانه خود باشد / خانه‌اش در کنار خانه خواهران باشد / و اقوام بیایند و مهمانش شوند.

ساختار و مضامین لیلو (لالایی) های بلوچی _____ عبدالغفور جهان‌دیده

در این جا مادر محل زندگی دختر را توضیح می‌دهد که یک روز در حوالی روستای خود خویشاوندان نزدیک خود با همراهانشان را می‌بیند، پس از احوال‌پرسی، پدر از او می‌پرسد؟

tai pet gošit ow mādar	تئی پت گُشیت اُ مادر
nākō gōŋ sad o panjāh eŋt	ناکو گون سد و پنجاه آنت
tai brat gōŋ hazāri pawjāŋ	تئی بُرات گون هزاری پوجان
byāyaŋt o tai mehmān baŋt	بُیاآنت و تئی مهمان بَنت
mehmānāŋ četaw šōnāyay	مهمانان چتو شونایی؟
lōŋay dorāhi ya mirāni	لوئی دراهی میرانی
pess o nākō o brātāni	پس و ناکو و بُراتانی

(همان، ص. ۱۱۱)

برگردان: پدر می‌گوید، ای مادر (دختر عزیزم) / عمویت با صد و پنجاه تن / و برادرت با لشکری بزرگ / اگر بیایند و مهمان تو شوند، / تو مهمان‌ها را چگونه پذیرایی می‌کنی؟ / به استقبال همه این مردان بزرگ برو / پدر و عمو و برادرانت.

مادر در ادامه به دخترش درباره پذیرایی و غذاها و خوراکی‌های لذیذ این‌گونه

می‌گوید:

memānāŋ šarap šōnāyay	مهمانان شَرَب شونایی
mēš-ōŋ zātagaŋt ham dōši	میشون زاتگ آنت هم دوشی
šap šāma košay gaŋŋōrē	شَپ شام کُشی گتوری
čāšta ham nazaŋkēŋ mēšē	چاشت هم نَزَنکین میشی
mēše dombagāŋ gejgēnāŋ	میش دمبگان گَجگینان
zekke rōgenāŋ zardēnāŋ	زک روگنان زردینان
sohba bastag o gwaŋgi nāh	سُهَب بستگ و گُونگی نا
nēmroča nabādēŋ halwā	نیمروچ نبادین هلوا
bēgāhāŋ šakar bagdādi	بیگاهان شکر بگدادی

bōrāni kadim maymičč eṇt	بورانی کدیم میمیچ آنت
wardeš kešmeš o bādām eṇt	وردش کشمش و بادام آنت
waš byāaṇt mani pess o brās	وش بیآنت منی پس و بُرات
didāreš mani rūzi bāt	دیدارش منی روزی بات

(همان، ص. ۱۱۲)

برگردان: مهمان‌ها را آبرومندانه پذیرایی کن / میش‌هایمان زاییده‌اند / برای شام بره‌ای و / برای ناهار میش نزاییده‌ای ذبح کن / دنبه‌های گوسفند / و روغن‌های حیوانی زردرنگ را که در مَشک مخصوص نگاه داشته‌ای به آن‌ها بده / صبح با ماست و خرمای نخل جوان / ظهر با حلواهای شیرین / و بعدظهر با شیرینی‌های بغدادی از آن‌ها پذیرایی کن / خوراک اسب‌های آن‌ها مویز / و کشمش و بادام باشد. / خوش بیایند پدر و برادرانم / دیدار آن‌ها نصیب من باد.

۴. نتیجه

با توجه به بررسی‌های انجام‌گرفته، دربارهٔ لیلوهای بلوچی، می‌توان نتیجه گرفت که این نوع ادبی عامه به‌طور شفاهی از زمان‌های دور رایج بوده است و تا زمان حال همچنان رواج دارد. ساختار لیلوها با ویژگی‌هایی که دارد، در قالب و وزن با آنچه در فارسی است، متفاوت است. قالب لیلوها بلوچی سنتی است و این قالب در ادبیات فارسی رایج نیست و از میان قالب‌های شعر فارسی ظاهراً بیشتر به مثنوی شبیه است. وزن لیلوها عروضی، مطابق با ویژگی‌های عروضی شعر بلوچی است و همه در بحر قریب و وزن «مفعولن، مفاعیلن، فع» سروده شده‌اند. لیلوها به‌دلیل شفاهی بودن و داشتن روایت‌های مختلف، کوتاه و بلند هستند و در عین حال گاهی قافیهٔ مصراع‌ها جابه‌جا شده و حتی برخی از مصراع‌ها قافیه ندارند و در بعضی دیگر ردیف جایگاه قافیه را پُر کرده است. زبان لیلوهای بلوچی رسمی، ولی ساده و فصیح است. لیلوها بر دو نوع دخترانه و

ساختار و مضامین لیلو (لالایی) های بلوچی _____ عبدالغفور جهانانیده

پسرانه تقسیم می‌شوند و برخی از آن‌ها به هر دو جنس اشاره دارند. لیلوهای پسرانه از دخترانه بیشتر است، اما در توصیفات دختر و پسر را یکسان می‌ستایند و یکی را بر دیگری ترجیح نمی‌دهند. ایجاد آرامش، خواباندن و نوازش کودک، واگو کردن آرزوها و خواسته‌های مادران، مهم‌ترین کارکردهای مشترک لالایی‌هاست. مضامین لیلوها متنوع و گوناگون است، برخی از مهم‌ترین این مضمون‌ها عبارت‌اند از: دعا برای عاقبت بخیری بچه، دعا برای بچه‌دار شدن زنان بی‌اولاد، شکرگزاری از خداوند به دلیل عطای بچه، اظهار شادی از تولد کودک، اندرز دادن به کودک، تشبیه کودک به قهرمانان قومی، داماد گرفتن با مهریه سنگین و انعکاس مفاهیم ارزشی اجتماعی مانند پذیرایی و مهمان‌نوازی و کمک به پدر و مادر و خویشاوندان و ایستادن در برابر غارتگران و دشمنان.

پی‌نوشت

1. M . Longworth Dames

منابع

- احمدپناهی سمنانی، م. (۱۳۸۳). *ترانه و ترانه‌سرایی در ایران*. تهران: سروش.
- بیگ‌زاده، خ. و ابیک‌آبادی، ف. (۱۳۹۶). *هنجارگریزی معنایی در لالایی ایرانی و اله تاجیکی* براساس نظریه لیچ. *فرهنگ و ادبیات عامه*، ۱۷، ۲۲۳-۲۴۵.
- جمالی، ا. (۱۳۸۶). *لالایی‌ها در فرهنگ مردم ایران*. تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما.
- جهانانیده، ع. (۱۳۹۹). *وزن و قافیۀ شعر بلوچی*. تهران: معین.
- حسن‌لی، ک. (۱۳۸۲). *لالایی‌های مخملین، نگاهی به خاستگاه و مضامین لالایی‌های ایرانی*. *زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، ۱، ۶۱-۸۰.
- شفیعی کدکنی، م. (۱۳۷۶). *موسیقی شعر*. تهران: نشر آگه.

شفیعی کدکنی، م. (۱۳۸۸). *غزلیات شمس تبریز*. تهران: سخن.
طالبیان، ی. و اسلامیت، م. (۱۳۸۴). ارزش چندجانبه ردیف در شعر حافظ. *پژوهش‌های ادبی*، ۱، ۷-۲۸.

خالق، ف. (۲۰۰۷). *تبتکگ انت سنج*. اکادمی بلوچی کویته.
شاد، ف. (۲۰۱۷). *دُرچ*. کراچی: انتشارات زبان.
مدرسی، ح. (۱۳۸۴). *فرهنگ کاربردی اوزان شعر فارسی*. تهران: انتشارات سمت و بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس.
مرادی، م. (۱۳۹۴). معرفی وزن‌های رایج و نوع خوانش عروضی در ترانه‌های محلی فارس، *ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*، ۱، ۸۰-۱۰۳.
مقدسی، ص. (۱۳۸۳). لالایی؛ کهن‌ترین زمزمه سحرانگیز مادر. *فرهنگ مردم ایران*، ۲، ۱۵۷-۱۶۴.

ملاح، ح. (۱۳۶۷). *پیوند موسیقی و شعر*. تهران: نشر فضا.
وجدانی، ب. (۱۳۸۷). لالایی، موسیقی، نقش زن در انتقال فرهنگ شفاهی. *مجله کتاب ماه/ هنر*، ۲۲، ۹۸-۱۰۴.
هدایت، ص. (۱۳۷۹). *نوشته‌های پراکنده*. تهران: نشر ثالث.

راویان شفاهی:

بلوچ، ح. بی‌سواد. خانه‌دار. هیچان نیکشهر. ۷۵ ساله.
بلیده، م. بی‌سواد. خانه‌دار. نیکشهر. ۷۵ ساله.
بلیده، م. ا. باسواد. شغل آزاد. نیکشهر. ۵۵ ساله.
جهاندیده، ب. بی‌سواد. خانه‌دار. سراوان. در زمان گردآوری ۵۵ ساله.
رئیزی، خ. بی‌سواد. خانه‌دار. نیکشهر. در زمان گردآوری ۷۰ ساله.
رئیزی، م. ح. باسواد. شغل آزاد. چابهار. در زمان گردآوری ۶۳ ساله.

قصرقندی، گ.م. باسواد. خواننده ترانه‌های عامه بلوچی. قصرقند. ۵۵ ساله.

ملازهی، م. باسواد. معلم. لاشار. ۵۴ ساله.

References

- Ahmad Panahi, M. (2004). *Song and songwriting in Iran*. Soroush Pub.
- Beigzadeh, Kh., & Abikabadi, F. (2017). Semantic abnormality in Iranian lullaby and Allah Tajiki based on Leach theory. *Bimonthly Journal of Folk Literature and Culture*, 17, 223-245.
- Faghir Shad. (2017). *Dorj*. Zaban Pub.
- Fazl Khaleq. (2007). *Botkag Anta Sanj*. Koweyteh Balouchi Academy.
- Hasanli, K. (2003). Plushy lullabies: a view to the origin and themes of Iranian lullabies. *Persian Literature Review of Sistan Balouchestan University*, 1, 61-80.
- Hedayat, S. (2000). *Dispersed writings*. Sales Pub.
- Jahandideh, A. (2020). *Meter and rhyme of Balouchi poem*. Moein Pub.
- Jamali, E. (2007). *Lullabies in Iranians' culture*. Broadcasting Organization Research Center.
- Malah, H. (1988). *The link between music and poem*. Faza Pub.
- Modaresi, H. (2005). *Applied culture of Persian poem meters*. Samt & Foundation of Astane Qods Islamic Researches Pub.
- Moghadasi, S. (2003). Lullaby as the oldest magical whisper of mother. *Iranians' Culture Rev.*, 2, 157-164.
- Moradi, M. (2015). *Introduction of common meters and type of prosodic reading in local Fars songs*, 1, 80-103.
- Shafiei Kadkani, M. (1997). *Poem music*. Agah Pub.
- Shafiei Kadkani, M. (2009). *Sham Tabriz lyric poems*. Sokhan Pub.
- Talebian, Y., & Eslamiat, M. (2005). Multilateral value of Radif in Hafez poem. *Quarterly Journal of Literature Researches*, 8, 7-28.
- Vejdani, B. (2008). Lullaby, music, role of females in transferring the oral culture. *Mah/Honar Book Review*, 22, 98-104

Interviewees

- Baloch. H. Illiterate, housewife, Hichan, Nikshahr, 75 years old.
- Bolaideh. M. Educated, self-employed, Nikshahr, 55 years old.
- Bolaideh. M. Illiterate, housewife, Nikshahr, 75 years old.
- Jahandideh. B. Illiterate, housewife, 55 years old at the time of collection.

Kaserkandi. G. Literate, singer of popular Balochi songs, Kaserkand, 55 years old.

Molazahi. M. Educated, teacher, Lashar, 54 years old.

Raisi. Kh. Illiterate, housewife, Nikshahr, 70 years old at the time of collection.

Raisi. M. H. Literate, self-employed, Chahbar, 63 years old at the time of collection.